

## مراحل آفرینش آسمان و زمین در آیات قرآن

حسین کیخواه نژاد

کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث و مدیر مدرسه ابتدایی ناحیه دو زاهدان

---

### چکیده

هدف مقاله حاضر آنست که مراحل گوناگون آفرینش آسمان و زمین را بیان نموده و تناقضی که به ظاهر در میان برخی از آیات وارده در این خصوص دیده می شود را برطرف نماید. روش مقاله حاضر تحلیلی است. با بررسی آیات و نصوص وارده در مورد آفرینش آسمان و زمین ، به این حقیقت می رسیم که آسمان و زمین در ابتدا جسمی واحد بوده و به هم چسبیده بوده اند و نیز آفرینش زمین قبل از آسمان صورت گرفته است و نیز به این حقیقت دست می یابیم که آفرینش آسمان و زمین مراحل مختلفی داشته و در این مورد میان آیات قرآن هیچگونه اختلاف و تناقضی وجود ندارد. آسمان و زمین و آنچه در میان آنها است در مدت شش روز آفریده شده است.

**واژگان کلیدی:** آفرینش ، پندار تناقض ، زمین ، آسمان.

---

## مقدمه

تفکر در شگفتی های آفرینش ، از جمله مسایلی است که در قرآن کریم بارها بدان اشاره شده است و فلسفه اش نیز روشن است ، زیرا بشر با تفکر در آفرینش به ویژه آفرینش آسمان و زمین به وحدانیت خداوند متعال پی برد. و قدرت بی نظیرش را مشاهدا می نماید.

خداوند می فرماید: (( ان فی خلق السموات و الارض و اختلاف الليل و النهار لآیات لاولی الالباب الذین یذکرون الله فیما و قولاً و علی جنوبهم و یتفکرون فی خلق السموات و الارض )) آل عمران/ 190-191

هر آینه در آفرینش آسمانها و زمین و رفت و آمد شب و روز نشانست برای خردمندان.

آنان که یاد می کنند خدا را ایستاده و نشسته و بر پهلو خوابیده و فکر می کنند در آفرینش آسمانها و زمین..)) اینکه در آیات فوق ، تفکر در آفرینش آسمانها و زمین یکی از علامتهای عاقلان شمرده شد نشان می دهد که این مساله از اهمیت ویژه برخوردار است اینجاست که تحقیق و پژوهش نیز در این مورد از جایگاه خاصی برخوردار می باشد زیرا وقتی با تلاش و کوشش محققان ، شگفتی های آفرینش خداوند منکشف می گردد این سبب می شود تا انسانها در خصوص مخلوقات خداوند بیشتر تفکر نموده و به قدرت او بیشتر پی ببرند.

از آنجایی که خداوند متعال حس کنجکاوی را جزو طبیعت بشر قرار داده ، هر گاه انسان به طرف آسمان و زمین خیره می شود بدون اختیار ، سوال های ذیل در ذهنش خطور می کند:

1. پیدایش این دو مخلوق بروگ خداوند ، چگونه بوده است؟
2. آیا در ابتدای وجود ، هر دو یکجا بوده اند یا اینکه هر یک بصورت جداگانه آفریده شده؟
3. آفرینش اینها چه مقداری از زمان را در بر گرفته؟

مقاله حاضر در تلاش است تا به سوال های مزبور پاسخ دهد اما قبل از ورود به مباحث اصلی موضوع ، باید دانست آسمان و زمین به چه معناست؟

راغب اصفهانی می گوید : در لغت به بالای هر چیزی (( سماء )) گویند و پایین هر چیزی را (( ارض )) گویند.

اما آسمان و زمین در قرآن به معانی متعددی بکار رفته که ما در اینجا فقط به چند معنی و مصداق اشاره می کنیم :

1. آسمان بمعنی جهت بالا و زمین بمعنی پایین
2. آسمان بمعنی جو اطراف زمین
3. آسمان بمعنی کرات آسمان و زمین بمعنی کره زمین
4. آسمان بمعنی قرب و حضور الهی و زمین بمعنی مراتب نزول وجود که شامل آسمان معنوی می شود.

## پیدایش آسمان و زمین

از بررسی آیات قرآن چنین به نظر می رسد که در ابتدا آسمان و زمین به هم چسبیده بوده و هر دو یک چیز محسوب می شده اند ، سپس خداوند متعال با قدرت خویش آنها را از هم جدا ساخته و شب و روزشان را نیز از هم متمایز نموده است.

آیه 30 سوره انبیاء مطلب فوق را با صراحت تایید می کند.

خداوند متعال می فرماید: (( اولم یرالذین کفروا ان السموات و الارض کانتارتقا ففتقنا هما و جعلنا نا الماء کل شیء حی افلا یومنون ))

انبیا / 30 : (( آیا ندیدند منکران که آسمان و زمین بسته بودند باز ما آنها را گشودیم و آفریدیم از آب هر چیزی نده را باز هم یقین نمی کنند. ))

شیخ محمود حسن دیوبندی ، آیه فوق را اینگونه تفسیر نموده است : (( رتق )) بمعنی آمیختن و در یکدیگر درآمدن است ، ابتدا آسمانها و زمین هر دو در ظلمت عدم از یکدیگر غیر متمایز افتاده بودند و در مرحله ابتدائی وجود ، هم با یکدیگر مخلوط بودند بعد از آن ، قدرت خالق مقتدر هر دو را از هم جدا فرمود - پس از این جدائی هر یک به طبقات جداگانه متشکل گردیدند با این همه (( بسته )) بودند ، نه از آسمان باران نازل می شد و نه در زمین سبزه و نباتات می روید بالاخره خدای تعالی برای فایده بنی نوع انسان هر دو را از هم جدا ساخت از بالا باران به باریدن آغاز کرد و از پایین مسام زمین بانی شد در این قسم زمین ، حق تعالی چشمه ها و دریاها جریان داد و انواع و اقسام نباتات در آن می رویانید و معنویات را در دل خاک تشکیل داد ، آسمان را با ستارگان بی شمار مزین فرمود و برای هر یک ستاره مدای جداگانه مقرر کرد و گردش هر یک را مختلف گردانید.

دیوبندی ، (بی تا) ، 4 / 147 از توضیحات مولانا محمود حسن چنین بر می آید که در ابتدا آسمان و زمین در هم آمیخته بودند بعد از آن خداوند آنها را از هم جدا ساخت.

دیدگاه شیخ محمود حسن گرچه در تفاسیر دیگر به چشم نمی خوری اما علم جدید آنرا تایید می کند چنانچه کمال روحانی می نویسد: (( دانش نوین ستاره شناسی ثابت کرده است که آسمانها و زمین ، در ابتدا یک جسم واحد بوده و قبل از اینکه انفصال رخ دهد ، شب و روز آنها یکی بوده و بعد از انفصال است که برخی سرد ، گرم یا تاریک شدند. به دیگر سخن ، احتمال داده می شود که خورشید در اثر تراکم ابر بزرگی از گاز و غبار به وجود آمده باشد.

پس از تراکم مقداری گاز و تشکیل خورشید بصورت یک ستاره ، گاز و غبار باقی مانده ، شروع به چرخیدن نموده و به مرور زمان متراکم شده است ، در نتیجه ی این تراکم ، سیارات دیگر منظومه شمسی شکل گرفتند.)) روحانی ، 1368 ، ص 96

صاحب تفسیر (( فی ظلل القرآن )) ( سید قطب ) نیز قابل به اتصال اولیه آسمان و زمین بوده چنانچه در تفسیر آیه (( ان السموات و الارض کانتارتقا ففتقنا هما )) می نویسد: (( آسمان و زمین در آغاز خلقت به صورت توده عظیمی در گستره فضا یکپارچه)) به هم متصل بوده و سپس ( بر اثر حرکات مداوم و انفجارات درونی هولناکی ) آنها را از هم جدا ساخته ایم) سید در ادامه می فرماید : ((ما بدین حقیقت ایمان کامل داریم تنها بدان جهت که در قرآن آمده است ، هر چند که نمی دانیم آسمانها و زمین چگونه از یکدیگر جدا گردیده اند. یا به عبارت دیگر ، آسمان از زمین جدا شده اند. نظریه های ستاره شناسی را می

پذیریم که با این حقیقت مجمل و مختصری که قرآن آنرا مقرر و بیان می دارد مخالفت ندارند ولیکن ما نص قرآنی را به دنبال هر تئوری و نظریه ستاره شناسی روان و همگام نمی گردانیم...)) قطب ، 1368 ، 4 / 595 .

با توجه به اینکه جمهور مفسران آیه (( کانتارتقا ففتقناهما )) را بمعنی عدم باریدن باران از آسمان و عدم روییدن گیاه از زمین می دانند و در مقابل ، ستاره شناسان برآنند که در ابتدا ، حقیقتا آسمان و زمین به هم چسبیده بودند سپس خداوند آنها را از هم جدا ساخت ، یک نوع تضادی میان این دو نظریه مشاهده می شود. جهت توفیق میان این دو دیدگاه شایسته است به سراغ تفسیر ابن کثیر برویم زیرا ایشان توضیحی را ارائه داده که میتوان گفت فصل الخطاب این مبحث به شمار می رود. او میگوید : ((در ابتدا آسمان و زمین به هم چسبیده بودند سپس خداوند آنها را از هم جدا ساخته و آسمانها را هفت تا قرار داده و بین آسمان دنیا و زمین بوسیله هوا فاصله گذاشت سپس از آسمان باران بارید و از زمین گیاه رویید.)) مسقی ، 1434 ، 3 / 194 .

(( رتق و فتق به چه معناست ؟ ))

(( اولم یرالذین کفروا ان السموات و الارض کانتارتقا ففتقناهما ... ))

در مورد معنای این دو واژه میان اهل لغت اختلافی نیست بلکه بالاتفاق (( رتق )) بمعنی ، پیوند و اتصال دو چیز به هم ، چه از لحاظ آفرینش و چه از نظر صنعت. اصفهانی ، 1389 ، ص:191 . و (( فتق )) به معنای جدایی بین دو چیز متصل به هم . همان . ص:401 .

اما آنچه مورد اختلاف است مراد و مفهوم این دو واژه می باشد ، مفتی محمد شفیع عثمانی (رح) در این خصوص می فرماید : (( مجموعه این دو لفظ (( رتق ، فتق )) بمعنی انتظام و اختیار کامل کاری ، به کار برده می شوند ، ترجمه کامل الفاظ آیه از این قرار است که آسمان و زمین بسته بودند ، ما آنها را گشودیم ، مراد از بسته شدن و گشادن (گشودن) در اینجا چیست ؟

مفسران در بیان مراد آن اقوال مختلفی نقل کرده اند ، مگر از مجموعه ی آنها معنایی که صحابه کرام و جمهور مفسرین اختیار کرده اند همان است که در خلاصه تفسیر بیان گردید که مراد از آن ، بند کردن باران از آسمان و محصولات زمینی است و مراد از گشودن ، گشودن این دو تا است.

در تفسیر ابن کثیر واقعه ای حضرت عبدالله بن عمر به سند ابن ابی حاتم چنین نقل شده است کسی پیش او آمده و از او نسبت به تفسیر این آیه سوال کرد ، او به حضرت ابن عباس اشاره نموده که به پیش آن شیخ برود و از او سوال کن و از آنچه به تو پاسخ داد ، مرا نیز آگاه کن ، آن شخص به پیش حضرت ابن عباس و پرسید : مراد از (( رتقا و فتقنا )) در این آیه چیست؟

حضرت ابن عباس فرمود : قبلا آسمان بسته بوده باران نمی بارید و زمین بسته بود که در آن نباتات نمی رویید ، وقتی خداوند متعال به وسیله بشر روی زمین را آباد نمود ، از آسمان باران و از زمین نشو و نما را گشود.

این شخص سپس از دریافت تفسیر آیه به پیش حضرت عبدالله بن عمر رفت و آنچه از حضرت ابن عباس شنیده بود برای او بازگو کرد ، حضرت عبدالله بن عمر فرمود : اینک برای من ثابت گردید که فی الواقع به حضرت ابن عباس علم قرآن اعطا شده

است، قبل از این درباره ی تفسیر قرآن من او راجری می پنداشتم و آن را نمی پسندیدم، ولی اکنون معلوم شد که خداوند متعال ذوق خاصی نسبت به تفسیر قرآن به او عنایت فرموده است و او رتق و فتق را درست تفسیر فرموده است. عثمانی،  
174/9 / 1392

علامه شنقطی صاحب تفسیر (( اضواء البیان... )) در آن مورد پنج قول ذکر نموده و در نتیجه تفسیر ابن عباس را ترجیح داده است.

### آفرینش زمین قبل از آسمان

خلقت آسمان و زمین در جاهای مختلفی از قرآن مجید گاهی مختصر و گاهی مفصل – ذکر گردیده است؛ از برخی آیات چنین بر می آید که آفرینش آسمان قبل از زمین صورت گرفته است اما در مقابل، در تعدادی از آیات تصریح شده که آفرینش زمین قبل از آسمان بوده است.

در این خصوص، تحقیقی را که مفتی محمد شفیع عثمانی از تفسیر (( بیان القرآن )) مولانا اشرف علی تهانوی نقل کرده، بسیار جالب به نظر می رسد، علامه عثمانی در تفسیر معارف القرآن می نویسد: (( حضرت سیدی، حکیم الامه در بیان القرآن فرموده است که آفرینش آسمان و زمین در قرآن کریم به صورت مختصر و مفصل، صدها جا آمده است، اما بیان ترتیب که نخست کدامیک آفریده شده و در پی آن کدامیک، این فقط در سه آیه آمده است، یکی در همین آیات (( حم السجده )) دوم در آیات مذکور سوره ی بقره سوم در آیات 27 تا 37 سوره نازعات (( ءانتم اشد خلقا ام السماء بناها \* رفع سمکها فسواها \* اغطش لیلها و اخرج ضحنها \* والارض بعد ذالک دحها \* اخرج منها ماءها و مرعها \* والجبال ارسها )) با نظری سطحی در این مضامین قدری اختلاف ملاحظه می شود، زیرا از آیات سوره ی بقره و حم السجده معلوم می شود که آفرینش زمین مقدم بر آسمان است و از آیات سوره ی نازعات برعکس آن، چنین معلوم می شود که آفرینش زمین پس از آسمان انجام گرفته است، حضرت حکیم الامت فرموده است که از فکر و تامل در همه ی آیات، به نظر من چنین معلوم می شود که نخست ماده زمین آفریده شده و هیات فعلی او به وجود نیامده بود که در آن وقت ماده آسمان به صورت دودی ساخته شده و سپس زمین به شکل فعلی گسترده شده بر روی آن کوه و درخت و غیره آفریده شده است، بعد از ماده سیال دودی آسمان، هفت آسمان ساخته شدند، امید می رود که همه آیات بر این تقریر منطبق گردند و از حقیقت حال، خود او بهتر داناست. عثمانی، 1392  
199 / 12،

### خلاصه کلام علامه تهانوی

از توضیح علامه تهانوی چنین برمی آید که آفرینش کامل زمین قبل از آسمان نبوده بلکه نقشه و ماده ی آن قبل از ماده ی آسمان آفریده شده اما (( دحوالارض )) ( گسترانیدن زمین ) سپس از بنای آسمان صورت گرفته است و همین توجیه جهت دفع تعارض میان آیات، در بسیاری از تفاسیر دیگر نیز با تعبیر مختلف ذکر گردیده است از جمله: تفسیر بسیط، تفسیر کبیر، تفسیر نسقی و تفسیر تبیین الفرقان را می توان نام برد.

### مدت آفرینش آسمان و زمین و تطبیق بین آیات وارده در این خصوص

مدت آفرینش آسمان و زمین بنا بر تصریح قرآن شش روز بوده است ((الذی خلق السموات و الارض و ما بینهما فی سته ایام ... (( آنکه آفرید آسمانها و زمین را و آنچه در میان آنهاست ، مدت شش روز ...)) فرقان / 6

اما ترتیب برخی از آیات نشان می دهد که مدت آفرینش از این بیشتر بوده بنابراین ظاهرا از این جهت بین آیات مقدار ی تناقض دیده می شود که در این بخش از موضوع در خصوص تطبیق میان آیات ، پرداخته می شود اما قبل از آن مناسب می بینیم پندار تناقض در آیات قرآن را نقد و بررسی کنیم در این مورد قبل از هر چیز به خود قرآن مراجعه می کنیم.

آری! قرآن کریم با صراحت و فصاحت تمام اعلان میدارد که: (( افلا یتدبرون القرآن و لوکان من عند غیر الله لوجوفیه اختلافا کثیرا )) انبیاء / 82

(( آیا تامل نمی کنند در آیات قرآن و اگر می بود از نزد غیر خدا حتما می یافتند در آن تفاوت زیادی )) با توجه به آیات فوق ، مفسران قرآن – اعم از متقدمین و متاخرین – بر این امر اتفاق نظر دارند که : در قرآن کریم هیچ نوع تناقض و اختلافی نه از نگاه مضامین نه از جهت بلاغت و فصاحت و نه از نگاه نظم و ترتیب وجود ندارد. به عنوان نمونه اقوال برخی از مفسران را ذیلا ذکر می کنیم :

1. علامه نسفی ( صاحب تفسیر مدارک التنزیل و حقایق التاویل می نویسد : (( در قرآن «هیچگونه تناقضی وجود ندارد ، نه در خصوص توحید و شرک ، نه از حیث حلال و حرام قرار دادن اشیاء نه از نگاه بلاغت ، بدین معنا که برخی از آیات در مرتبه اعجاز قرار داشته باشد و بعضی دیگر معجزه نبوده و توانایی مقابله با خصم را نداشته باشند ، نه از نگاه مفاهیم ؛گونه ای که برخی از امور غیبی را که خبر میدهد مطابق با واقع باشد و برخی دیگر نادرست و خلاف واقع باشد و نه طوری است که بخشی از آن نزد علمای معانی ، دارای مفهوم درستی باشد و در بخشی از آن ، فساد معنا وجود داشته باشد )) نسفی(بی تا) ، 276/1

2. مفتی محمد شفیع عثمانی به نقل از بیان القرآن مولانا اشرف فعلی تهانوی می نویسد: (( مقصود از اختلاف کثیر این است که اگر در یک مضمون اختلاف باشد ، سپس اختلاف مضامین کثیر ، کثیر میباشد. علامه عثمانی د ر ادامه می فرماید : اما در اینجا در یک مضمون هم اختلاف نیست بنابراین ، این کلام الله تعالی است و در کلام بشر این یکنواختی از کجا؟ نه جایی در بلاغت و فصاحت آن نقض است و نه در بیان توحید و کفر و حلال و حرام تناقض و تفاوت ، باز در اخبار از غیب هم هیچ چنین خبری نیست که مطابق ( با ) واقع نباشد و نه در نظم قرآن جایی این فرق وجود داشته که بعضی فصیح باشد و بعضی رکیک .)) عثمانی ، 1392 ، 4 / 83

3. علامه طباطبائی ( رح ) در تفسیر (( المیزان فی تفسیر القرآن )) می نویسد : (( اختلاف به هیچ وجه در قرآن راه ندارد نه بصورت تناقض که یک عده از آیات عده دیگر را نفی کند و با یکدیگر منافات و مدافعه داشته باشند و نه بصورت تفاوت که مثلا دو آیه از نظر تشابه بیان یا متانت معانی و مقاصد با هم اختلاف داشته باشند که بعضی از آیات از لحاظ پی ریزی و ریشه و اساس محکمتر و شدیدتر از پاره ای دیگر باشند. )) طباطبائی ، 1364 ، 5 / 30

در تفسیر (( نمونه )) نیز نوشته اند : (( یکی از دلایل حقانیت قرآن و اینکه از طرف خدا نازل شده است که در سراسر آن تضاد و اختلاف نیست )) 1368 ، 14 / 28

آری: همانگونه که مفسران بالا جماع قایل به عدم وجود تناقض بین آیات قرآن کریم هستند حقیقتاً نیز قرآن مجید از تناقض و اختلاف کاملاً عاری است، زیرا اگر چنین چیزی می بود حتماً مشرکین مکه آن را برای خودشان دستاویزی قرار داده و قرآن را سخت زیر سوال می برد اما آنها هیچ گاه این اعتراض را وارد نکردند که قرآن کریم آیات متناقضی و متعارضی را در خود جای داده است.

اما با این وجود، یک سوال باقی میماند و آن اینکه چرا برخی از آیات قرآن با اینکه در یک موضوع سخن می گویند باز هم در میانشان تفاوت و تناقض دیده می شود و این اختلاف فقط در الفاظ خلاصه نمی گردد بلکه در مفاهیم نیز مختلف اند.

به عنوان مثال مار حضرت موسی را در نظر بگیریم که در جایی فرمود: (( فاذا هی ثعبان مبین ))

و در جای دیگر می فرماید: (( کانهما جان ))

در آیه اول، عصا را به ازدهای تشبیه نموده اما در آیه دوم به مار کوچکی و این دو با هم تفاوت زیادی دارند؟

پاسخ سوال فوق را علامه زرکشی بسیار محققانه و قانع کننده تحریر نموده است، ایشان در کتاب گران سنگ خودش (( البرهان فی علوم القرآن )) موجبات اختلاف آیات را به پنج نوع تقسیم نموده که خلاصه آن قرار ذیل است:

1. بیان حالتهای یک موضوع و مراحل گوناگون رشد آن مانند تعبیرهای گوناگون درباره آفرینش آدم که گاهی می فرماید: (( خلقه من تراب )) آل عمران / 59. و زمانی: (( من حمأ مسنون )) حجر / 26. یا (( من طین لاذب )) صافات / 11. و گاه (( من صلصال کالفخار )) الرحمن / 14.

بدون شک تعبیرهای یاد شده با هم متفاوت است و این به دلیل آن است که هر کدام ناظر به مرحله ای از مراحل آفرینش آدم است.

2. اختلاف دو یا چند آیه در موضوع، مانند آیه (( وقفوهم انهم مسئولون )) صافات / 24. و نیز آیه (( فلنستلن الذین ارسل الیههم و لنستلن المرسلین )) اعراف / 6.

مفاد دو آیه فوق، وقوع سوال و بازخواست در قیامت است در حالی که ظاهر آیه در (( فیومئذ لا یسل عن ذنبه انس و لاجان )) الرحمن / 39. بر عدم سوال از گناهان در قیامت دلالت دارد.

حلیمی در خصوص رفع تناقضی بین آیات فوق می گوید: (( مراد از دو آیه نخست این است که در قیامت از توحید و تصدیق پیامبران بازخواست می شود و مراد از آیه دوم این است که از لوازم اقرار به نبوتها در حوزه احکام و فروع دین در قیامت سوال نمی شود ))

3. گاهی تفاوت دو آیه به جهت وجه عمل است، چنان که در آیه (( فلم تقتلوهم و لکن الله قتلهم )) انفال / 17. که نسبت دادن عمل به آنان از جهت مباشرت فعلی است، ولی نفی آن از جهت تاثیر عمل است که مربوط به اذن و اراده پروردگار است.

4. اختلاف در حقیقت و مجاز مانند آیه (( و تری الناس سکاری و ما هم بسکاری )) حج / 2. مراد بیهوشی و از خود رفتن به جهت رویارو شدن با دشواری شرایط قیامت است نه مستی ناشی از شرب خمر.

اختلاف به دو اعتبار و این سبب جامع میان تمامی اسباب ابهام اختلاف است؛ مانند آیه (( فبصرک الیوم حدید )) ق / 22. و (( خاشعین من الذل ینظرون من طرف خفی )) شوری / 45. قطرب در توضیح آیه نخست می نویسد: مراد این است که آگاهی و شناخت تو گسترده و قوی است.

(( بصرک )) یعنی شناخت و علم، چنانکه عرب می گوید:

(( بصر بكذا و كذا ))، یعنی بدان علم یافت، نه اینکه آنرا با چشم دید.

آنچه ذکر گردیده مختصری بود در خصوص رد پندار تناقض در آیات قرآن. چنانچه قبلا گفته شد که پس از رد پندار تناقض در آیات قرآن.

سر اصل مطلب میرویم بیشتر از این خواننده محترم را در انتظار نمی گذاریم و می رویم سراغ آیاتی که در آنها به مدت آفرینش آسمان و زمین اشاره شده است، آیات به قرار ذیل اند: (( قل ائینکم لتفکرون بالذی خلق الارض فی یومین و تجعلون له اندادا ذالک رب العالمین \* و جعل فیها رواسی من فوقها و بارک فیها و قدر فیها اقواتها فی اربعه ایام سواء للسائلین \* ثم استوی الی السماء و هی دخان فقل لها و للارض اثتیاطوعا او کرها قالتا اتیناطاعین \* فقصهن سبع سموات فی یومین ... )) تو بگو آیا شما منکرید از آنکه آفریده زمین را در دو روز و برابر قرار می دهید با او دیگران را اوست رب جهان و گذاشت در آن کوههای سنگین از بالا و برکت داد در آن و قرار داد در آن روزها را در چهار روز، برابر شد برای سوال کنندگان سپس بالا رفت به آسمان و آن دودی بود پس گفت به آن و به زمین بیایید شما هر دو تا به خوشی یا به زور، گفتند آمدیم به خوشی، پس کرد آنها را هفت آسمان در دو روز ... ))

از آیات فوق چنین بر می آید که مدت آفرینش آسمان و زمین هشت روز بوده است، در حالی که در آیات متعددی از قرآن کریم تصریح شده که خلقت آسمان و زمین در شش روز صورت گرفته است، به عنوان مثال، آیه ششم سوره فرقان را در نظر بگیریم که خداوند می فرماید: (( الذی خلق السموات و الارض و ما بینهما فی سته ایام ... )) فرقان / 6. (( آنکه آفرید آسمانها و زمین را و آنچه در میان آنهاست، مدت شش روز ))

و همچنان در سوره ی (( حدید )) آیه چهارم می خوانیم: (( هو الذی خلق السموات و الارض فی سته ایام .. )) به ظاهر در میان این نوع آیات و آیات نهم و دهم و دوازدهم سوره (( حم السجده )) مقداری تناقض به نظر می رسد اما از آنجائیکه حقیقتا در آیات قرآن تناقضی وجود ندارد، پس از دقت کامل در معانی آیات مذکور، اشکال بر طرف می گردد.

چنانچه علامه فخرالدین رازی (رح) می نویسد: (( المراد من قوله: )) (( و قدر فیهما اقواتها فی اربعه ایام )) مع الیومین الاولین وهذا کقول القائل: سرت من البصره الی بغداد فی عشره ایام و سرت الی الکوفه فی خمسه عشر یوما یرید کلا المسافتین )) اینکه خداوند می فرماید: (( قرار داد در آن روزها را در چهار روز )) یعنی با دو روز اول، مانند اینکه شخصی بگوید: از بصره تا بغداد ظرف ده روز رفتم تا کوفه، پانزده روز، در حالی که منظورش این است که هر دو مسافت، پانزده روز را در برگرفته است )) رازی، (بی تا) 4 / 91

علامه عبدالقا در رازی در کتاب (اسئله القرآن المجید و اجوبتها) می نویسد: معانی قوله تعالی: (( فی اربعه ایام )) فی تتمه ای اربعه ایام لان الیومین الذین خلق فیهما الارض من جمله الاربعه، او معناه کل ذالک فی اربعه ایام یعنی خلق الارض و ما



ذکر بعدها فصار المجموع سته و هذا لا اختلاف فيه بين المفسرين)) اینکه خداوند فرموده: (( در چهار روز )) معنایش این است که در کلمه چهار روز زیرا دو روزی که در آن زمین را آفریده، جزء چهار روز می باشند یا به این معنا است که همه را در چهار روز آفریده، یعنی زمین و آنچه را که بعد از آن ذکر گردیده، که جمعا شش روز می شود و این امری است که مفسران بر آن اتفاق نظر دارند)) رازی، 1433 ه، ص: 284.

علامه محمد شفیع عثمانی (رح) نیز می فرماید هم مفسرین در این موضوع اتفاق نظر دارند که این اربعه ایام، مشتمل بر آن دو روز است، چهار روز جدای از آن مراد نیست، و گرنه مجموعه، هشت روز می شوند که مخالف با تصریح قرآنی است.

ایشان در ادامه به نکته جالبی اشاره کرده می نویسد: (( اکنون با تامل در اینجا چنین معلوم می شود که مقتضای ظاهر مقام این است که پس از (( خلق الارض فی یومین )) آفرینش کوهها و غیره را هم به یومین تعبیر می کرد تا که مجموعه آن خود به خود در چهار روز فهمیده می شد، ولی قرآن کریم به جای این عنوان چنین تعبیر نموده که آفرینش باقیمانده زمین را ذکر کرده فرمودند: بطور کلی چهار روز شدند، از این به ظاهر اشاره به این است که این چهار روز متواتر پشت سر هم نبودند، بلکه به دو بخش منقسم بودند دو روز قبل از آفرینش سموات دو روز بعد از آن ( بنابر این ) آنچه در این آیه: (( وجعل فیها رواسی من فوقها )) فرموده است این پس از آفریدن آسمانها است. )) عثمانی 1393، 12 / 202 و 203.

### نتیجه گیری

با بررسی دیدگاه کیهان شناسان و آیات قرآن در باب آفرینش آسمان و زمین به نتایج زیر خواهیم رسید:

1. آسمان و زمین و دیگر کرات در ابتدا جسمی واحد بوده اند: (( کانتارتقا )) که از لحاظ علمی ابروال یا سحابی خوانده می شود.
2. بعد از اینکه زمین و آسمان و دیگر کرات جسمی واحد بودند، جدایی و انفصال رخ داده است: (( ففتقناهما ))
3. و اینکه قرآن در 1400 سال قبل از نظریات کیهان شناختی فوق در آیات خود سخن به میان آورد، سبقت علمی خویش را به اثبات رساند آنجا که فرمود: (( کانتارتقا ففتقناهما )) آسمان و زمین در ابتدا به هم چسبیده بودند و ما آنها را از هم جدا کردیم. انبیاء / 30
4. خلقت ماده ی زمینی، گرچه قبل از آفرینش آسمان بوده اما تکمیل آفرینش اش پس از بنای آسمان صورت گرفته است.
5. آفرینش آسمان و زمین، در مدت شش روز صورت گرفته است.
6. پندار تناقض در آیات قرآن، عقلا و نقلا مردود است.
7. متعارض دانستن آیات قرآن، وهمی است که از عدم آگاهی نسبت به اسلوب بیانی قرآن نشأت گرفته است بنابراین غیر معتبر می باشد.

### منابع

1. اصفهانی، راغب، فرهنگ قرآنی راغب، ترجمه: جهانگیر ولید بیگی (1389).
2. تفسیر القرآن العظیم، تحقیق: عبدالرزاق المهدی، بیروت: دارالکتاب العربی.

3. تهانوی، اشرفعلی، (بی تا)، بیان القرآن، مکتبه رحمانیه.
4. دمشقی، اسماعیل بن کثیر (1434 ق)
5. دیوبندی، محمود حسن، (بی تا): تفسیر کابلی، ترجمه: هیئتی از علمای افغانستان، ناشر: نشر احسان
6. رازی، فخرالدین محمدبن عمر (بی تا) تفسیر کبیر القاهره: المکتبه التوفیقیه.
7. رازی محمدبن ابی بکر، اسئله القرآن المجید و اجوبتها، بیروت: المکتبه العصریه. (1433 ق)
8. روحانی، کمال، اعجاز قرآن در عصر فضا و تکنولوژی (1386)
9. سربازی، محمدعمر، تبیین الفرقان، چاپ: دقت (1389)
10. سوکانی، محمدبن علی، (بی تا) فتح القدر، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
11. شنقیطی، محمد امین، (بی تا)، اضواءالبیان فی ایضاح القرآن بالقرآن، القاهره: المکتبه التوفیقی
12. شیرازی مکارم، تفسیر نمونه، چاپ: مروی (1368)
13. طباطبائی، محمد حسین، تفسیر المیزان، ترجمه استاد محمدجواد حجتی و استاد محمدعلی کذامی قمی، چاپ: گلشن (1364)
14. عثمانی، محمد شفیع، معارف القرآن، ترجمه: محمد یوسف حسین پور، چاپخانه دقت (1392)
15. قطب، سید، تفسیر فی الارض القرآن، ترجمه: مصطفی خرم دل، چاپخانه دقت (1387).
16. نسفی، عبدالله بن احمد، (بی تا) مدارک التنزیل و حقایق التاویل، تحقیق: مجدی منصور، قاهره: المکتبه التوفیقیه.
17. واحدی، علی بن احمد، (بی تا) التفسیر البسیط، تحقیق: محمدبن عبدالله بن سابع الطیار / علی بن عمر السحیبانی، الاسکندریه: دارالمصور العربی.